

# ژورنال

شماره ۸۵۲

۵ اکتبر ۲۰۲۴ - ۱۴ مهر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال:

هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد

حمید تقوایی

دادستانی تهران و "مخدوش کنندگان امنیت روانی جامعه"

کیوان جاوید

فضای جنگی حکومت و پاسخ مردم

شهلا دانشفر

سروناز احمدی، یار کودکان، مبارزی جسور در زندان

منظر دریاکناری

پذیرش حق پناهندگی زنان افغانستانی با حکم دیوان

دادگستری اروپا

سیاوش آذری

## هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد

### حمید تقوایی

سیاست و جهتگیری حزب ما در شرایط بالا گرفتن تنشهای جنگی و وقوع جنگ تقویت و گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. نه تنها خاتمه بخشیدن به مصائب مردم ایران، امری که زمینه ساز و هدف انقلاب زن زندگی آزادی است، بلکه ختم تنشها و فضای جنگی و خطر جنگ نیز تماماً در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما در شرایط امروز و در آستانه حمله نظامی اسرائیل مواضع و گرایشها و گفتمانهای دیگری نیز در جامعه اشاعه یافته است. مهمترین این مواضع و گرایشها و پاسخ ما

به آن چنین است:

• “جنگ ترسناک است“. حکومت جنگ افروز هم به همان اندازه جنگ ترسناک است. تا این حکومت هست سایه سیاه جنگ و ترس از جنگ بر فراز سر مردم ایران و منطقه قرار دارد.

• “باید علیه هر دو بود“. بله هر دو طرف این کشمکش جنگی نیروهای بغایت ارتجاعی و ضد انسانی هستند. و همین واقعیت را باید در سطح تحلیلی و ترویجی به مردم توضیح داد. ولی در سطح اعتراضات میدانی و خیابانی باید با تمام قوا علیه جمهوری اسلامی بود. همانطور که در اسرائیل هم اعتراضات خیابانی مردم باید علیه دولت خودشان باشد. حتی در سطح تحلیلی

و آگاهگری هم باید به مردم گفت جمهوری اسلامی و نیروهای تروریست وابسته اش منشاء شرایط جنگی فعلی در خاورمیانه و حتی زمینه ساز قدرتگیری راست افراطی اسرائیل و دولت نتانیاهو هستند. در این سطح هم مساله پنجاه پنجاه نیست.

• ”نه به جنگ و صلح طلبی از سر مخالفت با کشتار و خشونت“. جامعه ایران در یک شرایط آرام و صلح آمیز نیست که تنها جنگ و خشونت جنگی آرامش اش را به هم بزند. مردم دست اندر کار یک جنگ بی امان با حکومت هستند و در این جنگ حکومت از هیچ توحش و خشونتی فروگذار نکرده است. قبل از هر چیز نه جنگ

بلکه این خود رژیم اسلامی است که خشونت و کشتار و جنایت را به امری هر روزه در جامعه تبدیل کرده است. نه تنها عامل سرکوب و کشتار و جنایت علیه مردم ایران، در چهار دهه و از جمله در دو سال اخیر، حکومت اسلامی است بلکه عامل اصلی جنگ افروزی و تنش و فضای جنگی و خشونت و کشتار جنگی در منطقه نیز این رژیم است. تا زمانی این حکومت سر کار است سایه سیاه جنگ و تنش جنگی نیز همواره بر سر جامعه خواهد بود. جواب این وضعیت، در شرایط جنگی یا غیر جنگی، در مقابله با خطر جنگ و یا وقوع جنگ، سرنگونی جمهوری اسلامی است. هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد.

• ”بگذارید بزند. حمله اسرائیل جمهوری اسلامی را سرنگون میکند.“ این نوعی بازگشت به تز رژیم چنج است - تزی که فی الحال انقلاب زن زندگی آزادی از آن عبور کرده است. سرنگونی جمهوری اسلامی کار مردم و انقلاب مردم است. اسرائیل و آمریکا و دول اروپا خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیستند بلکه حداکثر میخواهند پروژه هسته ای رژیم را متوقف کنند و تروریسم منطقه ای اش را مهار کنند. این قدرتگیری و پیشروی انقلاب است که میتواند دولتها را نیز مجبور کند در مقابل کل حکومت، اساساً بخاطر تروریسمش در خود ایران و علیه مردم ایران و نه صرفاً بخاطر آمریکا و اسرائیل ستیزی اش، بایستند. کما اینکه نمودهایی از این امر را در

جریان انقلاب زن زندگی آزادی شاهد بودیم.  
رابطه بین دولتها با جمهوری اسلامی خود تابعی  
از رابطه مردم با رژیم است و نه بر عکس.  
در شرایط حاضر تداوم و تقویت انقلاب زن زندگی  
آزادی و جنبشهای اعتراضی جاری بخشهای  
مختلف جامعه در گرو مقابله فعال با گرایشات  
فوق است. حزب کمونیست کارگری با تمام توان  
خود این سیاست را دنبال میکند.

## دادستانی تهران و "مخدوش کنندگان امنیت روانی جامعه"

### کیوان جاوید

دادستانی کل رژیم با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که علیه برخی افراد اعلام جرم و با برخی دیگر نیز برخورد قضایی کرده و به برخی افراد برهم‌زننده امنیت روانی جامعه تذکر داده است. این اطلاعیه می‌گوید در روزهای اخیر، برخی افراد در شبکه‌های اجتماعی یا برخی فعالان فضای مجازی "اقدام به انتشار اخبار کذب یا ایجاد رعب در راستای خدشه به امنیت روانی جامعه کرده‌اند".

به این می‌گویند خبر دلگرم‌کننده برای مردمی



که سرنگونی طلبی را به یک رویداد روزانه علیه رژیم تبدیل، و به "امنیت روانی" سردمداران و جیره‌خواران جمهوری اسلامی جدا خدشه وارد کرده‌اند. این دیگر به درک همه ما مردم تبدیل شده است که وقتی رژیم بنام مردم و جامعه حرف می‌زند منظورش همان نیروهای مزدور مواجب‌بگیر و همان سران قاتل جمهوری اسلامی است. آنها نگران از دست دادن همه امکانات مادی عظیمی هستند که با قتل و غارت و کشتار مردم بدست آورده‌اند. هر زمان ارگان‌های سرکوب رژیم، از دادستانی و قوه قضاییه و سپاه و ارتش و وزارت اطلاعات اطلاعی می‌دهند و مردم را از حضور در مدیای اجتماعی برحذر می‌دارند و تهدید به دستگیری می‌کنند، باید دقیقاً پی

برد که این حضور ما از چه اهمیت بالای سیاسی برخوردار است.

حضور در مدیای اجتماعی یعنی هر فرد جامعه یک مبارز در میدان و مسلح به آخرین و پیشرفته‌ترین ابزار مبارزه در جنگ سیاسی - تبلیغی با حکومت اسلامی است. این به‌راستی برای یک حکومت منزوی که در درون صفوف خود با صدها درگیری روبرو است، ترسناک است. هر روز مردم یک‌بار دیگر در یک "کارزار جدید" شرکت، و هر آنچه که سران رژیم رشته‌اند را پنبه می‌کنند. سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای و جهانی رژیم را با نقد کوبنده خود در هم می‌کوبند و به همه جامعه روحیه مبارزه‌جویی می‌دهند.

عرصه مبارزه در مدیای اجتماعی فقط فردی نیست. سازماندهی مبارزات اعتراضی و تحصن و اعتصاب و تجمع نیز در همین مدیای اجتماعی توسط فعالین جنبش‌های اعتراضی صادر می‌شود و این نیز یک جنبه دیگر از اهمیت بالای مدیای اجتماعی است. دیکتاتور و حکومت دیکتاتوری اسلامی می‌خواهند مردم را در کنج تنهایی و در بی‌خبری به‌زانو در بیاورند، اما مدیای اجتماعی این سیاست رژیم را زمین‌گیر کرده است.

# فضای جنگی حکومت و پاسخ مردم

شهلا دانشفر

درست در این فضای جنگی، بازنشستگان فولاد و معدن در تهران، پرستاران و بازنشستگان تأمین اجتماعی در ۱۵ مهر، بازنشستگان مخابرات، کارگران رسمی سکوهای نفتی در ۱۶ مهر، کارگران ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی و بازنشستگان کشوری کرمانشاه در ۱۷ مهر و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران در ۲۱ مهر تجمع خواهند داشت. فراخوان‌هایی که با شعارهایی چون "جنگ‌افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" نشان می‌دهد مردم کجا ایستاده‌اند.

نماز جمعه این هفته با امامت خامنه‌ای - این به اصطلاح نمایش اقتدار - بیش از پیش نشانگر وضع خراب حکومت بود. خامنه‌ای به ناگزیر بعد از روزها از پناهگاهش بیرون آمد تا خودی نشان دهد و هدفش روحیه دادن به نیروهایش در داخل و طرفدارانش در منطقه بود. تمهیدات بسیاری دیده بودند و جمعیت کرایه‌ای‌شان را از شهرهای مختلف بسیج کرده و نیروهایشان در خیابان‌های اطراف مصلی مستقر بودند.

مردم در گفته‌هایشان با تمسخر، از زبونی حکومت می‌گویند: "قرار بود با فتح قدس در مسجدالاقصی نماز بخوانی الان با اینهمه تمهیدات در زیر سقف مصلی رفته‌ای و "نمایش اقتدار" می‌دهی."

خطبه خامنه‌ای هم حرف‌هایی توخالی و رجزخوانی محتاطانه‌ای بیش نبود. او در قامت رهبر لشکری شکست‌خورده که با موجی از نارضایتی و حتی دشمنی در میان مردم لبنان روبروست، ظاهر شد و با دلجویی از مردم منطقه بویژه از مردم لبنان، فراخوان به همبستگی داد و مجدداً از عملیات تروریستی هفت اکتبر حمایت کرد.

روشن است که هدف جمهوری اسلامی از جنگ افروزی برگرداندن گفتمان جامعه از ادامه انقلاب زن زندگی آزادی بسوی جنگ و تشدید اختناق و سرکوب به بهانه جنگ است. اما دست حکومت برای مردم رو است. همان شب موشک‌پرانی به اسرائیل شعار

مرگ بر دیکتاتور در تهران بلند شد و در همین مدت بخش‌های مختلف بازنشستگان، کارگران نفت و دیگر بخش‌های جامعه تجمعاتشان را داشتند و لیستی سریالی از فراخوان‌های اعتراضی داده شد.

مردم می‌گویند این موشک‌ها بر سفره خالی ما فرود آمدند. بحران بنزین و صف‌های کیلومتری آن صدای اعتراضاتشان را بلندتر کرده است. گسترش اعتراضات، به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی پاسخ فوری این شرایط است. جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیتش قرار دارد و "سر مار اسلام سیاسی" در منطقه است؛ باید آنرا زد. با اتحادی سراسری برای سرنگونی آن خیز برداریم.

# سروناز احمدی، یار کودکان، مبارزی جسور در زندان

## منظر دریاکناری

روز جمعه ۱۳ مهر، گزارشگر ویژه سازمان ملل از وضعیت سروناز احمدی، فعال حقوق کودکان که در زندان اوین محبوس است ابراز نگرانی کرد. خانم لاولر روز در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که به رغم وضعیت وخیم جسمی و توصیه پزشکان، سروناز احمدی از مرخصی پزشکی محروم شده است.

سروناز در اعتراض به عدم موافقت مسئولان زندان با مرخصی درمانی او دست به اعتصاب دارو زد و اکنون حدود ۱۷ روز است که این اعتصاب



ادامه دارد. سروناز احمدی اردیبهشت ۱۴۰۲ در آستانه روز جهانی کارگر به همراه شماری از فعالان اجتماعی و کارگری بازداشت شد. او در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" ابتدا به شش سال حبس محکوم شد، اما این حکم در دادگاه تجدیدنظر به سه سال و شش ماه کاهش پیدا کرد

احساس شما بعنوان یک خواننده این خبر چیست؟ غم و اندوه از اینکه یک زن مبارز که "دانشآموخته کارشناسی ارشد مددکاری است" و می‌توانست اگر بی‌خیال دیگران و خصوص کودکان بود، حالا زندگی‌ای داشته باشد. زندگی‌ای

هر چند توأم با صدها دغدغه، از حجاب اجباری گرفته تا آپارتاید جنسیتی؛ از محرومیت اقتصادی و انکار هویت انسانی بعنوان یک زن تا اسیر دست به سینه یک جامعه خفقان‌آور. سروناز می‌توانست همچون یک درخت در بیابان سوزان، خشک و پژمرده شود و هیچ اثری از خود برجای نگذارد، طوری که انگار هرگز وجود نداشته است. اما سروناز رسم همان درخت سبز سرو قامت را در پیش گرفته، برای زندگی و انسانیت و حق کودکان به میدان مبارزه پا گذاشته است و سبز مانده است.

سروناز البته تنها نیست. مرواریدی کمیاب در دل صدف نیست که نشود به راحتی پیدایش کرد.

او یکی از ما است. یکی از دانش‌آموزان دختر  
که در دل انقلاب زن زندگی آزادی به زیبایی  
درخشیدند. یکی از دانشجویان با آن حماسه‌هایی  
که آفریدند. او بازنشسته و معلم و پرستار است  
و کارگر است. او سرو زیبای انقلاب ما است.  
صدای این مبارز پُر شور انقلاب نوینمان باشیم  
که در اسارت است و آنجا نیز دست از مبارزه  
بر نمی‌دارد.

# پذیرش حق پناهندگی زنان افغانستانی

## با حکم دیوان دادگستری اروپا

### سیاوش آذری

دیوان دادگستری اروپا روز جمعه ۴ سپتامبر ۱۳- مهر حکم کرد که جنسیت و تابعیت برای اخذ پناهندگی برای زنان افغانستانی در کشورهای اتحادیه اروپا کافی است و این زنان نیازی به اثبات وجود خطر واقعی و مشخص و مورد آزار و اذیت قرار گرفتن در صورت بازگشت به کشور خود ندارند.

تبعیض علیه زنان امری جهانی است. مبارزه بی‌امان جنبش زنان آزادیخواه و برابری طلب همراه با دیگر جنبش‌های حقوق اجتماعی و انسانی بویژه جنبش

سوسیالیستی دست‌آوردهای فراوانی در احقاق حقوق زنان در چهارگوشه دنیا داشته است. به این معنی مبارزه برای آزادی زنان نیز امری جهانی است. تحمیل نابرابری و بی‌عدالتی و تبعیض و خشونت علیه زنان در هر گوشه از دنیا تعرض به حقوق و آزادی زنان در سطح جهان است. همبستگی فعالین حقوق زنان و انسان‌ها از اروپا تا آمریکای شمالی و از افغانستان تا استرالیا با انقلاب زن‌زندگی آزادی و حمایتشان از آن جلوه‌های از این وجه جهانی مبارزه برای آزادی زن بود. به این معنی حکم مذکور دیوان دادگستری اروپا پیروزی بزرگی برای جنبش زنان در جهان محسوب می‌گردد.

زنان از اولین قربانیان سب‌عیت و توحش جنبش

ضدبشری اسلام سیاسی هستند. زنان و مردم کشورهای اسلامزده، بویژه زنان افغانستان تحت سیطره طالبان بر این نکته واقفاند و از بدو بروی کار آمدن مجدد جانیان طالبان به قدرت در نتیجه زدوبند با دول غربی و در رأس آنان دولت آمریکا به مبارزه برای حقوق خود و مقاومت در برابر دست اندازی های جنبش اسلام سیاسی به آزادی های اجتماعی و سیاسی پرداخته اند. جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی پیشرو و جهان متمدن در این مبارزه در کنار زنان افغانستانی قرار گرفته اند. مبارزه زنان افغانستانی شایسته بزرگ ترین و عمیق ترین همبستگی و پشتیبانی جهان متمدن است. پیروزی اخیر و حکم کفایت جنسیت و تابعیت برای برخورداری از حق پناهندگی برای زنان افغانستانی

نمونه مشخصی از این همبستگی جهانی جنبش زنان و دیگر جنبش‌های مترقی است.

جهان متمدن نشان داد که می‌توان و باید علی‌رغم چشم‌پوشی دولت‌ها از فلاکت و مصیبت تحمیل شده به زنان افغانستانی در نتیجه مداخلات دول غربی با طالبان به میدان آمد، از حقوق و آزادی زنان در افغانستان و مبارزاتشان علیه بربریت اسلامی حمایت کرد، خواب را از چشم دولت‌ها ربود و به پیروزی رسید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: [journalfarsi@gmail.com](mailto:journalfarsi@gmail.com)

اینستاگرام:

[www.instagram.com](http://www.instagram.com)

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

[https://twitter.com/Journal\\_Farsi](https://twitter.com/Journal_Farsi)

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال